

مقاله پژوهشی

الگوهای ترکیب اندام‌های بنیادین معماری مساجد شهر اصفهان در دوره صفوی

آزیتا بلالی اسکویی^{۱*}، سحر زارعی^۲، مینا حیدری ترکمانی^۳

۱- دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۳- دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴)

چکیده

بررسی و شناخت ترکیب‌بندی اندام‌های بنیادین مساجد دوره صفوی شهر اصفهان با تاکید بر طبقه‌بندی آن‌ها سبب می‌شود تا بتوان با بهره‌گیری از این الگوها در لایه‌های کالبدی و همچنین معنایی، در معماری مساجد جدید، آن‌ها را تداوم بخشید. در این راستا تحقیق حاضر با هدف شناخت این الگوها تدوین گردیده است. روش تحقیق در این نوشتار توصیفی-تحلیلی بوده و از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مساجد دوره صفوی اصفهان را می‌توان به سه دسته مساجد شبستانی، گنبدخانه‌ای و شبستانی-گنبدخانه‌ای طبقه‌بندی نمود که هر یک از دسته‌های فوق را می‌توان براساس اندام‌های اصلی و محورهای فضایی و وضعیت قرارگیری نسبت به بافت شهری به دسته‌های مجزا دسته‌بندی نمود. در طبقه‌بندی عنوان شده، هر الگو گسترش یافته الگوی قبلی است و در نهایت تکامل یافته‌ترین نوع الگو، الگویی با حفظ تعین هندسی اندام‌های اصلی معرفی می‌شود، مساجد امام و حکیم از این قبیل هستند.

کلید واژه‌ها: اندام‌های بنیادین، الگوی معماری مساجد، معماری دوره صفویه، مساجد اصفهان

پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. مساجد صفوی اصفهان دارای چه اندام‌های غالبی هستند؟
۲. از نظر کالبدی مساجد دوره صفوی اصفهان دارای چه الگوهایی هستند؟

۱- مقدمه

طراحی مکان‌های مقدس مذهبی در همه ادیان، از مهم‌ترین طرح‌های معماری محسوب می‌شود؛ چون تجلی جنبه‌های هنری و نمادپردازی هر دینی را در این مکان‌ها می‌بینیم، در حقیقت مساجد بارزترین تجلی‌گاه معنویت و هویت متعالی انسانی جهان اسلام و از جمله ساختمان‌های عمومی هستند که در فرهنگ یک جامعه مؤثر بوده‌اند و در گذشته به عنوان مرکز اجتماعی، سیاسی و مذهبی مردم مسلمان کارکرد داشتند. با ظهور دولت صفوی در اوایل قرن دهم هجری و اعلام تشیع اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی، فرصتی به دست معماران شیعی داد تا عقاید خود را آزادانه تبلیغ کنند و جهان بینی تشیع را در قالب آفرینش فضاهای مذهبی، به ویژه در معماری مساجد آشکار سازند. انسان شیعی، با پای‌بندی به اصول و عقاید مذهب تشیع، خود را به رعایت و توجه به آن ملزم می‌دانسته، لذا معماری مسجد، به دلیل موضوعیت خاص معنوی و روحانی اش، از روح و ماهیت تشیع سرشار است؛ به طوری که در هر دو بعد کالبدی مساجد (ایوان، حیاط مرکزی، حوض، ارتباطات فضایی و نحوه حرکت و ...) و حسی-

معنوی (نور، رنگ، تزئینات، رقوم مقدس و ...) اثرگذار بوده است (دباغ و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

مساجد بنای الگویی هستند که عالی‌ترین سازه‌ها را در معماری اسلامی به وجود آوردند. مساجد با این نیت ساخته می‌شوند که باقی بمانند؛ پس باید دارای ساختاری غنی و مستحکم باشند. در نتیجه، این بنا، آن الگویی است که - به مانند کلیسا در مسیحیت - بیش از هر بنای دیگر تأثیر سنت‌های ممتاز معماری بسیاری را که در مجموع معماری را شکل داده‌اند (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۳). بنابراین کند و کاو در آثار معماری تاریخی، دیدن راه حل‌ها، تبدیل آنها به زبان علمی و بهره‌گیری از فنون روز، بخشی از پاسخ به الگوی طراحی معاصر است. اگرچه میان الگو و برخی دیگر از مفاهیم و تعابیر در فضای معماری تشابهات شکلی و محتوایی به چشم می‌خورد؛ لیکن تنها الگویی است که می‌تواند با پرهیز از تقلید یا تکرار کار گذشتگان، تجربیات آنان را در قالب آثار متنوع معماری نمایان سازد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳). با توجه به اینکه در حوزه مسجد، مطالعات متنوعی صورت گرفته است لیکن هیچ یک از آنها به شناسایی اندام‌های بنیادین و چگونگی ترکیب بندی آنها نپرداخته‌اند. بنابراین هدف از این پژوهش، شناسایی ترکیب‌بندی اندام‌های بنیادین مساجد دوره صفوی شهر اصفهان و تداوم این الگوها در لایه‌های کالبدی و همچنین معنایی، در معماری مساجد جدید است.

۲- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. با توجه به اینکه مساجد دوره صفوی اصفهان موضوعی گسترده است که در آثار مکتوب و غیرمکتوب، اسناد قابل توجهی در ارتباط با آن قابل شناسایی و مطالعه است. از این رو از تحقیق کتابخانه‌ای اعم از کتاب، رساله، مقاله‌ها و مشاهدات میدانی و استفاده از نقشه‌ها به گردآوری اطلاعات پرداخته شد. مجموع مساجد دوره صفوی در شهر اصفهان بیست و سه نمونه است که در این پژوهش، بیست نمونه از مشهورترین و شناخته شده ترین این مساجد مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به میزان آثار باقی مانده از دوره صفوی می توان اذعان نمود این مطالعه عمده نمونه‌های موجود در شهر اصفهان را شامل می‌شود. فرآیند تحقیق شامل توصیف اولیه نمونه‌های موردی و دسته‌بندی آنها برای مقایسه است و طبق تحلیل‌های صورت گرفته، الگوهای بکار گرفته شده در مساجد این دوره استخراج گردید.

۳- پیشینه ی تحقیق

در زمینه دسته بندی و گونه شناسی مساجد دوره ها و شهرهای مختلف پژوهش های متعددی در طی سال های متمادی به انجام رسیده است. از جمله می توان به این موارد اشاره کرد: مهدوی نژاد و دیگران (۱۳۹۲)، بر اساس ارتباط فضایی مسجد و مدرسه های دوره قاجار، به سه گونه اصلی دست یافته اند: گونه اول، مسجد-مدرسه، فضای واحدی است که کارکرد مسجد و مدرسه در آن از هم تفکیک شده است. گونه دوم، مسجد و

مدرسه در یک فضا قرار گرفته اند و کاربری مسجد و مدرسه در هم ادغام شده است. گونه سوم، شامل مسجد مدرسه هایی است که به صورت جدا از هم ولی در کنار هم ساخته شده اند و ارتباط مسجد و مدرسه از طریق فضایی مشترک در داخل بناست. جالب است بدانیم این گونه بندی به زمان ساخت، مکان و موقعیت قرارگیری مسجد مدرسه ها ارتباطی نداشته است؛ شاید بتوان گفت که در شرایط خاصی برحسب نوع تفکر و هم چنین میزان اهمیت مسجد و مدرسه، این گونه ها شکل گرفته اند. زارعی (۱۳۹۴)، با اشاره به گونه بندی مساجد محله ای شهر سنندج در دوره قاجار و اطلاق سبک سنندجی، بیان می دارد که مهمترین معیارهای ساخت و ساز مساجد محله ای در نوع معماری بومی برو نگرا و معماری مرکزی ایران درو نگرا و وضعیت زمین، امکانات در اختیار به لحاظ تمکن مالی و مصالح، متناسب با شرایط زمان و مکان و اقلیم منطقه بوده است. خادم زاده و دیگران (۱۳۹۶)، انواع مسجد حوزه فرهنگی کردستان را بر پایه اجزای فضایی یا کالبدی به دو دسته تقسیم می کند: گونه اول، مساجد دارای شبستان ستون دار که گونه اصلی اول مساجد منطقه کردستان هستند؛ گونه دوم، دارای حیاط مرکزی و ترکیبی از الگوهای مساجد گونه اول و مساجد مرکز ایران است. این نکته قابل توجه است که این دو گونه دارای زیر گونه هایی هستند که تفاوتشان در مواردی مانند تعداد یا وجود و عدم وجود ایوان ها و راهروهاست. معماریان و دیگران (۱۳۹۶)، پارامترهای گونه بندی مساجد تبریز را از منظر

عناصر کالبدی مساجد استخراج شده و براساس این فراوانی دسته‌بندی‌هایی تبیین می‌گردد.

۴- مبانی نظری

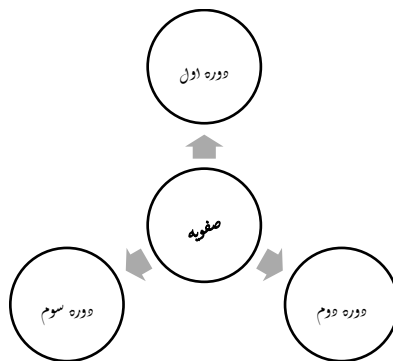
۴-۱- اصفهان در عصر صفوی

معماری ایران در قرن دهم و یازدهم هجری، تحت حمایت شاهان صفوی، به حد اعلائی توسعه و تکامل خود رسید. فعالیت وسیع معماری دوره صفویه در زمان شاه عباس اول آغاز و بناهای مختلفی در شهرهای ایران ایجاد شد (سیوری، ۱۳۸۵: ۱۵۲). شهر اصفهان در این دوره مورد توجه ویژه شاه عباس و جانشینان وی قرار گرفت؛ چنانکه اسکندر بیگک منشی، مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی می‌گوید: «... و خصوصیات آن بلده جنتشان از استعداد مکان و آب زاینده رود و جوی‌های کوثر مثال که از رودخانه مذکور منشعب گشته، به هر طرف جاریست، در ضمیر انور جایگزین گشته همیشه خاطر اشرف بدان متعلق بود که در آن بلده شریفه رحل اقامت انداخته، توجه خاطر به ترتیب و تعمیر آن مصروف دارند... و آن بلده طیبه را از کثرت عمارات و باغات و منازل مرغوب دلگشا و رواق‌ها و منظره‌های بهجت افزا و قیصریه و چهار بازار و مساجد و حمامات و خانات عالی مصر جامع ساخته و ایوم خلدبرین بدین داغ بندگی اش بر جبین دارد» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/۵۴۴-۵۴۵). در این دوره بود که شاهان صفوی، در پی مطرح کردن اندیشه بازگشت به گذشته و احیاء میراث باستانی ایران، سعی در احیای سبک معماری قدیم ایرانی نمودند و این امر در طرح‌ها، اشکال و مصالح

عرصه‌بندی فضای داخل، اندازه فضا، شاکله داخلی، ساختار معماری، تزیینات، مصالح، نورگیری، نحوه و جبهه ورودی و ارتباط با طبیعت در راستای آغازی مناسب بر ریختارشناسی و الگوبندی مساجد تاریخی تبریز مورد بررسی قرار داده است. تحقیق پاسیان خمیری و دیگران (۱۳۹۶)، در گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجار تا معاصر حاکی از این است که سه گونه صحن - شبستان، صحن - رواق - شبستان و گونه شبستانی بیشترین تنوع گونه در دسته مساجد روستایی هستند. مساجد شهری علی‌رغم تزیینات بیشتر و مصالح جدید در ساخت آن‌ها و مساحت زیاد، همچنان از ساختار کالبدی فضایی مساجد روستایی تبعیت می‌کنند همچنین گونه صحن - رواق - شبستان در حال حاضر پرکاربردترین الگوی ساخت مساجد است. خادم زاده و دیگران (۱۳۹۳)، نیز مساجد منطقه اصفهان را بر اساس انتظام کلی و ترتیب فضایی در رسیدن به محراب اصلی به دو گونه کلی کوشکی و بسته، حیاط دار و نمازخانه‌ای تقسیم می‌کند. هرچند پژوهش خادم زاده به موضوع مورد بحث ما بسیار مرتبط است، قصد ما در این تحقیق، بررسی جامع تر مساجد کل دوره صفوی در اصفهان و یافتن ارتباط میان مساجد مختلف براساس اندام‌های آن‌هاست. با این حال در پژوهش‌های داخلی تاکنون به این موضوع پرداخته نشده است. و لذا می‌توان اذعان داشت این مطالعه عمده نمونه‌های موجود در شهر اصفهان را شامل می‌گردد. بر این اساس در بخش ادبیات تحقیق ابتدا به اهمیت مساجد اصفهان در دوره صفوی پرداخته می‌شود و سپس فراوانی

دوران حکومت شاه عباس اول و شاه عباس دوم، نیمه عصر صفوی، به دلیل توجه آنان به هنر و معماری در ساختار معماری ایران که موجب پیشرفت در طرح‌ها و ترکیب‌ها و تناسبات بناها گشت، مبنای تقسیم دوران صفوی قرار داده شد. از این رو دوران صفوی را می‌توان به سه دوره: آغازی (قبل از حکومت شاه عباس اول)، اوج (از آغاز دوران حکومت شاه عباس اول تا پایان حکومت شاه عباس دوم) و پایانی (پس از حکومت شاه عباس دوم) تقسیم کرد (عطاریان، ۱۳۹۳: ۷۰).

بناها جای خود را باز کرد (تجویدی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). سبک بناهای این دوره به شکل چهار ایوانی است و از کاشیکاری، گچ‌بری، مذهب کاری و خطاطی و... برای تزئینات بناها استفاده شده است (کیانی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). بعد از صفویان و با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر کشور، توسعه هنرهای گوناگون ادامه نیافت؛ ولی سبک معماری که در دوره صفویه در اصفهان به اوج رونق و شکوفایی خود رسیده بود، راه را برای مطالعه سبک شناسی هنری این بناها در دوره‌های بعد فراهم آورد. بر اساس شاخص‌های علمی و تاریخی تحلیل‌گران،



تصویر ۱- تقسیم بندی عصر صفوی به سه دوره مأخذ: (عطاریان، ۱۳۹۳: ۷۰)

حتی هر کوچه، مسجد اغلب به تنهایی قرار می‌گیرد و گاه با عملکردهای دیگر تلفیق می‌شود، زمانی با مدرسه که کانون آموزش علوم است و به طور یکپارچه ساخته می‌شود و زمانی با امامزاده و مدفن بزرگان ترکیب می‌شود. به هر رو به دلیل تنوع عملکردی، تنوع فضایی مسجد آن را از دیگر عناصر عمومی شهری متمایز و جایگاه آن را در زندگی شهری اعتلا می‌بخشد (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷: ۲۵). در دوره صفوی بر اثر توجه پادشاهان

۴-۲- مساجد اصفهان در عصر صفوی

با ظهور حکومت صفویه و اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی که کشور ایران تحت لوای آن متحد می‌شود، بر اهمیت مسجد به مراتب افزوده می‌گردد. این بار مسجد مظهر آرمان‌های تشیع و عامل شناساننده آن نیز باید گردد. بدین ترتیب مساجد به تعداد زیاد در سطح شهر ساخته و یا در محل مساجد قدیمی بازسازی می‌گردند. نه تنها در مقیاس شهر و مرکز آن بلکه در هر محله و

صفوی و خلاقیت معماران، مکتب اصفهان شکل گرفت که باعث تمایز میان این مکتب با معماری ادوار گذشته گردید. به عبارت بهتر، در این دوره، معماری از یک امر ارگانیک، که صرفاً براساس نیازهای طبیعی شکل می گرفت؛ به معماری خردگرا بدل شد که واجد ارزش های فلسفی، هنری و فنی است (طبسی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). در واقع مسجد رکن زندگی شهری و واژگان و اصول و قواعد آن، کامل ترین تبلور اندیشه های مکتب اصفهان در شهرسازی است. طبق جدول ۱ مساجد ساخته شده در دوره صفوی در شهر اصفهان براساس اسناد و مدارک موجود ذکر گردید. تعداد مساجد ساخته شده در هر دوره به همراه نام مسجد، تاریخ ساخت، حاکم وقت و موقعیت فعلی آورده شده است. مطالب این جدول نشان می دهد؛ ۲۰ درصد از مساجد ساخته شده مربوط به دوره اول (پیش از حکومت شاه عباس اول) و ۵۵ درصد از آنها مربوط به دوره دوم (دوران حکومت شاه عباس اول تا شاه عباس دوم) و ۲۵ درصد آنها مربوط به دوره سوم (پس از حکومت شاه عباس سوم) است.

بیست نمونه از مساجد دوره صفوی شهر اصفهان طبق جدول ۱ با ذکر نام مساجد و معرفی اندام های موجود مورد بررسی قرار گرفت. که این بررسی ها براساس مشاهدات میدانی، بررسی پلان ها و تصاویر مساجد است. بنا به اطلاعات به دست آمده، بیشترین اندامی که کالبد مساجد مورد

مطالعه را شکل می دهند به ترتیب شبستان، گنبدخانه، صحن، و ایوان هستند. چگونگی قرارگیری این اجزای کالبدی یا اندام ها در کنار هم و ترکیب بندی مختلف آنها ساختار فضایی مساجد این دوره را شکل می دهند. در زیر به معرفی اندام های بنیادین مساجد در این دوره پرداخته می شود.

شبستان: شبستان جایی است که «شب در آنجا می خوابند» و «از هیچ طرف باز نیست». گرابر شبستان را این گونه تعریف می کند: «فضایی که در آغاز به صورت تالارهای چهل ستون بود که شامل چند ستون زیر سقف می شد که این ستون ها به تعداد زیاد و به فواصل مساوی فضا را اشغال می کردند» (حداد و همکاران، ۱۳۹۷: ۷).

گنبدخانه: گنبدخانه در فرهنگ دهخدا «خانه ای که دارای گنبد باشد»، «خانه ای که به شکل گنبد باشد» معنا شده است (دهخدا، ۱۹۲۷۸: ۱۳۴۵).

صحن: یکی از عناصر مهم معماری مساجد اسلامی، صحن است که به دلیل پیروی از طرح و نقشه اولین مسجد جهان (مسجد النبی)، طرح مربع و یا مربع مستطیل دارد و فضایی آزاد و روحانی را بوجود می آورد. در واقع شکل و فرم و عناصر تزئینی ابتدا در همین صحن ها به نمایش در می آیند. در وسط صحن حیاط، آب مظهر پاکیزگی و نظافت، در حوض بزرگی که با فضا سازی بنا به صورت دایره و یا مربع و مستطیل و یا هشت گوش متناسب است، متجلی می شود.

جدول ۱- مساجد سه دوره عصر صفوی شهر اصفهان (مأخذ: نگارندگان)

مساجد دوره صفویه اصفهان					
دوره	ردیف	نام مسجد	تاریخ ساخت	حاکم وقت	موقعیت فعلی
اول	۱	علی	۹۲۹	شاه اسماعیل	میدان امام علی
	۲	قطیبه	۹۵۰	شاه طهماسب دوم	خ طالقانی
	۳	ذوالفقار	۹۵۰	همان	بازار
	۴	خیاط ها (پادرخت سوخته)	۹۷۵	همان	خ عبدالرزاق
دوم	۵	جارچی	-	شاه عباس اول	خ عبدالرزاق
	۶	مقصود بیک (ظلمات)	۱۰۱۰	همان	شمال شرقی میدان نقش جهان
	۷	لطف الله خان	۱۰۲۵-۱۰۱۱	همان	میدان نقش جهان
	۸	سرخ (سفره چی)	۱۰۲۴ یا ۱۰۱۴	همان	خ چهارباغ پایین
	۹	امام	۱۰۴۰-۱۰۲۱	همان	میدان نقش جهان
	۱۰	آقا نور	۱۰۳۹-۱۰۳۴	شاه عباس اول تا شاه صفی	خ ابن سینا
	۱۱	حاجیه شاه خانم (نمکی)	-	شاه عباس دوم	میدان میر
	۱۲	ساروتقی	۱۰۵۳	همان	بازار
	۱۳	مصری	۱۱۱۶-۱۰۶۱	همان	میدان قدس
	۱۴	حاج یونس	۱۰۷۳	همان	خ ابن سینا
سوم	۱۵	حکیم	۱۰۶۷-۱۰۷۳	شاه عباس دوم تا شاه سلیمان	خ حکیم
	۱۶	علیخان زنگنه	۱۰۹۰	همان	خ ملک
	۱۷	لنجان	۱۱۱۴-۱۰۸۰	شاه سلیمان	خ شهیدبهبشتی
	۱۸	ایلچی	۱۰۹۷	همان	خ احمدآباد
	۱۹	خان	-	همان	خ گلزار
	۲۰	خلوت نشین	-	همان	خ حکیم
	۲۱	شیره پزها	اوایل قرن دوازدهم	-	بازار نظامیه
	۲۲	خواجه روح الله	-	-	خ مسجد سید
	۲۳	حاج محمد جعفر آباده	قرن دوازدهم	-	خ جمالدین عبد الرزاق
	۲۴	حسین بن علی	-	-	خ بازارچه

گنبدخانه: گنبدخانه در فرهنگ دهخدا «خانه‌ای که دارای گنبد باشد»، «خانه‌ای که به شکل گنبد باشد» معنا شده است (دهخدا، ۱۹۲۷۸: ۱۳۴۵).

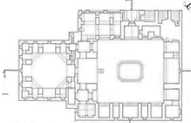
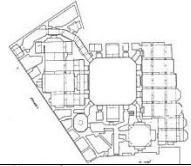



صحن: یکی از عناصر مهم معماری مساجد اسلامی، صحن است که به دلیل پیروی از طرح و نقشه اولین مسجد جهان (مسجد النبی)، طرح مربع و یا مربع مستطیل دارد و فضایی آزاد و روحانی را بوجود می‌آورد. در واقع شکل و فرم و عناصر تزئینی ابتدا در همین صحن‌ها به نمایش در می‌آیند. در وسط صحن حیاط، آب مظهر پاکیزگی و نظافت، در حوض بزرگی که با فضا سازی بنا به صورت دایره و یا مربع و مستطیل و یا هشت گوش متناسب است، متجلی می‌شود.


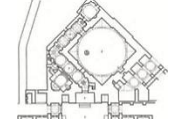


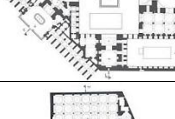





ایوان: فضای مسطح و مسقف و نیمه باز مسجد است که یا کارکرد نمازخانه ای دارد (در خود

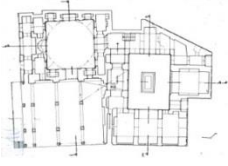
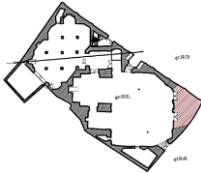

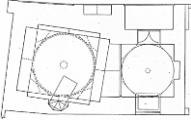

ایوان نماز گزارده می‌شود) یا کارکرد ارتباطی (شبستان مسجد را به صحن مسجد یا به محیط بیرونی متصل می‌کند). تعریف مزبور وجهی کارکردی دارد و وجهی کالبدی. در وجه کالبدی آن و در چارچوب کالبد مسجدهای تاریخی ایران، مرز آن با فضاهای بسته، همچون شبستان، مشخص می‌شود و وجه کارکردی آن موجب فصل ایوان از رواق و امثال آن می‌شود (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

رواق: رواق‌ها، فضاهای سرپوشیده ستون دار اطراف صحن و حیاط مساجد هستند که معمولاً در پشت آن‌ها دیوارهای انتهایی مسجد قرار دارند. دهانه این فضاها رو به صحن است و در ورودی را به شبستان یا گنبدخانه متصل می‌کند (احمدی شلمانی، ۱۳۹۰).

جدول ۲- اندام‌های بنیادین مساجد دوره صفوی شهر اصفهان (مأخذ: نگارندگان)

نام مسجد	شبستان	ایوان	گنبد	رواق	صحن	مناره	پلان
مسجد علی	*	*	*	-	*	*	
مسجد قطیه	*	*	*	-	*	-	
مسجد ذوالفقار	*	-	-	-	-	-	
مسجد حیاط‌ها	*	*	*	-	*	-	
مسجد چارچی	*	-	-	-	-	-	

	-	*	-	*	-	*	مسجد مقصود بیک
	-	-	-	*	-	*	مسجد شیخ لطف الله
	-	*	-	-	*	*	مسجد سرخی
	*	*	*	*	*	*	مسجد امام
	-	*	-	*	*	*	مسجد آقانور
	-	*	-	*	*	*	مسجد ساروتقی
	-	*	*	-	*	*	مسجد مصری
	-	-	-	-	-	*	مسجد حاج یونس
	-	*	-	*	*	*	مسجد حکیم
	-	*	-	*	-	*	مسجد علیخان زنگنه

	*	*	-	*	*	*	مسجد لیان
	-	*	-	-	-	*	مسجد ایلچی
	-	*	-	-	*	*	مسجد شیره پزها
	-	-	-	*	-	-	مسجد خواجه روح الله
	-	*	-	-	-	*	مسجد حسین بن علی

۵- نتایج و یافته‌ها

۵-۱- گونه‌شناسی مساجد دوره صفویه

براساس اندام‌های بنیادین

گونه‌شناسی دسته‌بندی نمونه‌ها براساس معیارهای مشترک است؛ حال این معیارها ممکن است شکلی و یا مرتبط با عملکرد فضاها یا معماری باشد. گونه‌شناسی شکلی عمومی‌ترین نوع گونه‌شناسی در معماری هست این گونه‌شناسی، یک بنا را به لحاظ عناصر شکلی و کالبدی آن مورد تحلیل قرار می‌دهد و دسته‌بندی‌های خود را بر مبنای تفاوت و شباهت عناصر کالبدی قرار می‌دهد این نوع گونه‌شناسی در سبک‌های تاریخی بسیار کارآمد

است (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). در واقع از مقایسه خصوصیات مشترک به صورت بسته‌ای از خصوصیات به عنوان یک گونه معرفی می‌گردد. در مورد دسته‌بندی‌های صورت گرفته در خصوص کالبدی مساجد می‌توان اشاره کرد: گروهی شبستان و رواق، دیگر گروه گنبدخانه و گروهی دیگر ایوان را گاه با حیاط و گاه بدون آن به کار برده‌اند. بعدها هر گروه از گروه‌های دیگر نیز وام گرفت، بخش‌هایی از شبستان موجود و برای برپایی ایوان و گنبدخانه برداشته و یا شبستان را به دیگر فضاها اضافه کرده‌اند (حجت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). استاد پیرنیا مساجد را به

شبستانی، تک ایوانی، دو ایوانی، چهار ایوانی و چهار طاقی و طنبی شکل تقسیم می‌کند (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۴). هنری مارتین انواع مساجد را بر پایه نوع نقشه آنها به سه دسته تقسیم بندی می‌کند. ۱. مسجد با سقف صاف و نقشه مستطیل شکل در سبک عربی ۲. مساجد گنبددار با نقشه چهارایوانی ۳. مساجد با چند گنبد در سبک عثمانی (Arnheim, ۱۹۸۸). هلین براند (۱۳۹۱)، مساجد را به پنج گونه شبستانی، تک ایوانی، دو ایوانی، چهار ایوانی و گنبد دار، تقسیم بندی می‌نماید. صارمی (۱۳۹۶) مساجد را با چهار الگوی اصلی مورد بررسی قرار داد. مسجد با شبستان ستوندار، مسجد با شبستان ایواندار (تک ایوانه، دو ایوانه و چهارایوانه)، مسجد با شبستان ایواندار و گنبدخانه پشت ایوان، مسجد دارای گنبدخانه میانی (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶). اما با توجه به اندام‌های بنیادین مساجد دوره صفوی شهر اصفهان، (جدول ۳) می‌توان مساجد این دوره را به سه الگوی مساجد شبستانی، شبستانی گنبد خانه‌ای و گنبد خانه ای دسته‌بندی کرد.

مساجد شبستانی

بنیادین‌ترین اندام مساجد صفوی اصفهان که تنها با یک استثنا (مسجد خواجه روح الله) در همه نمونه‌های مورد مطالعه قابل شناخت است، شبستان ستون دار است. به عبارتی یکی از عناصر اولیه که مساجد دوره صفوی اصفهان را تعریف می‌کند، شبستان ستون دار است. برخی از مساجد مورد مطالعه، صرفاً از یک شبستان ساده تشکیل شده‌اند. این الگو از لحاظ کالبدی و اندامی جزء ساده‌ترین گونه مساجد است که خود مبنای شکل‌گیری

مساجد گنبدخانه‌ای

بنیادین‌ترین اندام مساجد این الگو، گنبدخانه است که عنصر اولیه این دسته از مساجد را تعریف می‌کند. تنها مسجد مورد مطالعه در این دسته از مساجد دوره صفوی اصفهان، مسجد حاج روح الله است که صرفاً از یک گنبدخانه ساده تشکیل شده است. این الگو از لحاظ کالبدی و اندامی یکی از ساده‌ترین مساجد این دوره است که خود مبنای شکل‌گیری الگوهای دیگر است.






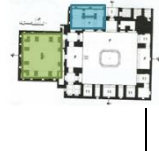



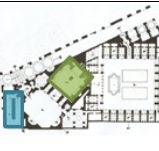



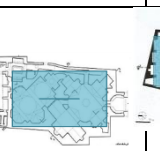



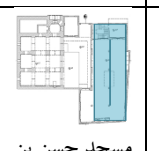


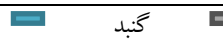

مساجد شبستانی گنبدخانه‌ای

می‌توان اذعان کرد که الگوی این مساجد، حاصل همنشینی هردو الگوی قبل است. از این همنشینی، الگوهای متمایز و قابل تعریف پدید می‌آید که الگوی اکثر قریب به اتفاق مساجد دوره صفوی اصفهان را تشکیل می‌دهد. این مساجد دارای اندام‌های بنیادین شبستان و گنبدخانه به انضمام فضاهای دیگری همچون ایوان و رواق است. یکی از مساجد جالب توجه در این دسته، مسجد شیخ

برخی مساجد نیز ۴ ایوان در ۴ طرف صحن مرکزی اضافه می‌گردد که مساجد آقانور و ساروتقی و حکیم از آن دسته هستند. الگوی دیگری که تکامل یافته‌ترین الگو مساجد این دوره است شامل ترکیب الگوی قبل به انضمام یک یا چند رواق است. مسجد امام از این جمله است که دارای اندام‌های متفاوت دیگر نیز می‌تواند باشد.

لطف الله است که در طبقه همکف آن گنبدخانه و در طبقه زیرینش دارای شبستان ستون دار است. از نمونه‌های دیگر نیز مساجد زنگنه و مقصود بیک است که به ترتیب دارای صحن مرکزی و جانبی هستند. در الگوی بعدی، به الگوی شبستانی گنبدخانه‌ای دو ایوان جنوبی - شمالی به انضمام صحن به برخی مساجد اضافه می‌شود که از جمله آن مساجد علی، قطیبه، خیاط‌ها و لبنان است و در



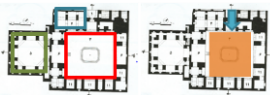



جدول ۳- دسته بندی مساجد دوره صفوی اصفهان بر اساس سه الگوی شکل گیری (مأخذ: نگارندگان)



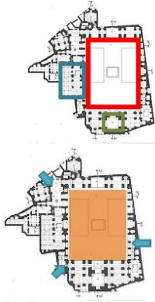
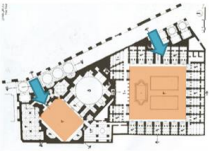

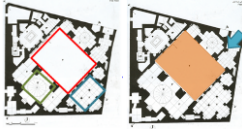
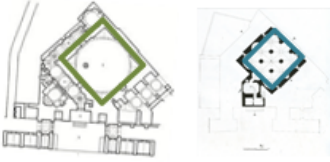
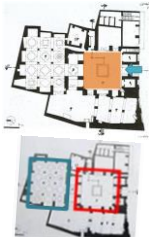




دسته بندی نمونه ها بر اساس سه الگو شکل گیری					
مساجد شبستانی گنبد دار					
					
مسجد آقانور	مسجد علیخان زنگنه	مسجد لبنان	مسجد خیاط‌ها	مسجد حکیم	مسجد علی
مساجد شبستانی					
					
مسجد شیخ لطف الله	مسجد شیخ لطف الله	مسجد قطیبه	مسجد ساروتقی	مسجد امام	مسجد مقصود بیک
مساجد شبستانی					
					
مسجد مصری	مسجد جارچی	مسجد سرخی	مسجد شیره پزها	مسجد ایلچی	مسجد حسن بن علی
					
مسجد خواجه روح الله			مسجد ذوالفقار		
					
گنبد			مسجد حاج یونس		
شبستان					





و فضای شهری قابل شناسایی است. مسجد امام و حکیم با ورودی‌های متعدد، دارای یک ورودی اصلی و چند ورودی فرعی هستند؛ که با افزایش تعداد ورودی‌ها به عنوان عامل ارتباطی صحن مساجد با گذرهای اطراف، ارتباطات، حضور و تعاملات اجتماعی در آن افزایش خواهد یافت که این بیانگر نقش صحن به عنوان فضای شهری است. مساجدی از قبیل خیاط‌ها، لبنان، آقانور و ساروتقی شامل یک ورودی اصلی و یک ورودی فرعی هستند که نقش صحن به عنوان فضای ارتباطی پررنگ تر از فضای شهری است. مساجد علی، مقصود بیگ، قطیبه، علیخان زنگنه، ایلچی، شیره پزها، سرخی، مصری و حسن بن علی با یک ورودی اصلی در ارتباط مستقیم با صحن، بیشتر نمایانگر نقش ارتباطی صحن با فضاهای دیگر است.

همچنین با توجه به وجود اندام‌های غالب، مانند صحن و ایوان در مساجد دوره صفوی، ابتدا به دسته‌بندی مساجد در سطح کلی براساس بود و نبود صحن و سپس برای بررسی الگوهای ترکیب بندی در مقیاس خرد، صحن مساجد در ارتباط با فضای شهری مورد ارزیابی قرار گرفته است. از آنجایی که مساجد از اصلی ترین عناصر بافت شهرها هستند. با توجه به نیاز انسان به فضاهای شهری برای برقراری تعاملات اجتماعی، صحن مساجد می تواند به عنوان یکی از این فضاها باشد. با توجه به نظریات آدام متز و نقی زاده، نظر توسلی درباره صحن مساجد این است که صحن، هنگامی در زمره یک فضای شهری شناخته می شود که ویژگی‌های از قبیل ورودی‌های متعدد، ورودی از جهات مختلف و ارتباط فضایی با گذرهای اطراف داشته باشد. با بررسی نقش صحن مساجد دوره صفوی اصفهان (جدول ۴) براساس دستگاه ورودی، صحن مساجد در دو گونه فضای ارتباطی

جدول ۴- دسته بندی مساجد براساس اندام غالب صحن (مأخذ: نگارندگان)

دسته بندی مساجد بر اساس اندام غالب صحن			صحن دار	مساجد شبستانی گنبد دار
 <p>مسجد خیاط‌ها</p>	 <p>مسجد قطیبه</p>	 <p>مسجد علی</p>		
 <p>مسجد آقانور</p>	 <p>مسجد ساروتقی</p>	 <p>مسجد حسن بن علی</p>		

 <p>مسجد امام</p>		<p>مسجد لبنان</p>		
<p>-</p>	 <p>مسجد مقصود بیک</p>	 <p>مسجد حکیم</p>		
	 <p>مسجد ساروتقی</p>	 <p>مسجد علیخان زنگنه</p>		
 <p>مسجد شیخ لطف الله</p>			<p>بدون صحن</p>	
 <p>مسجد سرخی</p>	 <p>مسجد شیره پزها</p>	 <p>مسجد ایلچی</p>	<p>صحن دار</p>	<p>مساجد شبستانی</p>
<p>-</p>	 <p>مسجد حسن بن علی</p>			

		مسجد مصری		
			بدون صحن	
مسجد جارچی	مسجد حاج یونس	مسجد ذوالفقار		
			بدون صحن	مساجد گنبددار
مسجد خواجه روح الله				
■ شبستان ■ گنبد ■ صحن				

با بررسی اندام غالب ایوان براساس وجود یا عدم وجود و در پی آن تنوع در تعداد و عملکرد و جاگیری شان در کالبد مساجد به گونه‌شناسی پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان ۲۰ مورد ۸ مسجد بدون ایوان و ۱۲ مسجد ایوان دار هستند. با توجه به تعداد ایوان‌های به کار رفته در مسجدهای ایوان دار، (جدول ۵) در دو دسته دوايوانی و چهارايوانی قابل تقسیم‌بندی است. همچنین محل قرارگیری ایوان در کالبد مساجد نشان می‌دهد جای‌گیری ایوان‌ها در تمامی مساجد با محوریت جهت قبله و تأکید بر آن قرار گرفته‌اند. در مساجدی مانند آقا نور، ساروتقی، حکیم، امام، علی، علیخان زنگنه چرخش‌هایی تقریباً ۴۵ درجه نسبت به ورودی برای هم سو شدن محور ایوان‌ها محسوب می‌شوند.

با بررسی اندام غالب ایوان براساس وجود یا عدم وجود و در پی آن تنوع در تعداد و عملکرد و جاگیری شان در کالبد مساجد به گونه‌شناسی پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان ۲۰ مورد ۸ مسجد بدون ایوان و ۱۲ مسجد ایوان دار هستند. با توجه به تعداد ایوان‌های به کار رفته در مسجدهای ایوان دار، (جدول ۵) در دو دسته دوايوانی و چهارايوانی قابل تقسیم‌بندی است. همچنین محل قرارگیری ایوان در کالبد مساجد نشان می‌دهد جای‌گیری ایوان‌ها در تمامی مساجد با محوریت جهت قبله و تأکید بر آن قرار گرفته‌اند. در مساجدی مانند آقا نور، ساروتقی، حکیم، امام، علی، علیخان زنگنه چرخش‌هایی تقریباً ۴۵ درجه نسبت به ورودی برای هم سو شدن محور ایوان‌ها

جدول ۵- دسته بندی مساجد بر اساس اندام غالب ایوان (مأخذ: نگارندگان)

دسته بندی مساجد بر اساس اندام غالب ایوان					
					مساجد دو ایوانی
مسجد شیره پزها	مسجد سرخی	مسجد لبنان	مسجد خیاط ها	مسجد علی	
					مساجد چهار ایوانی
-	-	-	مسجد مصری	مسجد علیخان زنگنه	
					مساجد چهار ایوانی
مسجد قطیبه	مسجد ساروتقی	مسجد آقانور	مسجد امام	مسجد حکیم	
ایوان در نقش فضای اصلی			ایوان در نقش فضای ارتباطی		

۲-۵- بررسی محورهای فضایی در ترکیب اندام‌های مساجد

محور فضایی به عنوان ارتباط‌دهنده دو فضا با کارکرد مختلف به عنوان خط ذهنی است؛ که حفظ سادگی، تعادل، تقارن و یکپارچگی در بناها با رعایت اصل این محورها صورت می‌گیرد. از مهم‌ترین محورهایی که در فضای مساجد به چشم می‌خورد، اولین محور مربوط به دستگاه ورودی است که ارتباط دهنده عملکرد بیرون به درون است و دومین محور که، به سبب آن انسان به آمادگی معنوی رسیده است؛ بین فضای صحن و گنبدخانه است که هدایت‌کننده مستقیم انسان در جهت قبله است. سومین محور عمود در جهت قبله

در راستای توسعه بنا است. در بررسی نمونه‌های مورد مطالعه (جدول ۶) می‌توان به دو گونه، مساجد با دو محور فضایی (محور ورودی و محور بین فضای صحن-گنبدخانه) و با سه محور فضایی (محور ورودی، محور بین فضای صحن-گنبدخانه و محور عمود در جهت قبله) اشاره کرد. در مساجد علی، مقصود بیک و ساروتقی دو محور ورودی و محور بین فضای صحن-گنبدخانه قابل مشاهده است. محور بین فضای صحن-گنبدخانه در محوریت با جهت قبله چرخشی ۹۰ درجه نسبت به محور ورودی داشته است. در مساجد علیخان زنگنه و لبنان محور بین فضای صحن-گنبدخانه در راستای محور ورودی است. مساجدی از قبیل امام،

حکیم، خیاط‌ها و آقانور سه محور (محور ورودی، محور بین فضای صحن-گنبدخانه و محور عمود در جهت قبله) دارند. محور بین فضای صحن-گنبدخانه در محوریت با جهت قبله دارای چرخشی تقریباً ۱۲۰ درجه نسبت به محور ورودی است که در این مساجد گسترش فضایی در محور عمود در جهت قبله صورت گرفته است.

جدول ۶- دسته بندی محورهای فضایی در ترکیب بندی اندام‌ها (مأخذ: نگارندگان)

محورهای فضایی در ترکیب بندی اندام‌ها				نسبت محور صحن- گنبد به محور ورودی	
مسجد آقانور	مسجد حکیم	مسجد امام	مسجد خیاط‌ها		۹۰
مسجد ساروتقی	مسجد مقصود بیک	مسجد امام علی	مسجد علیخان زنگنه		۹۰
		مسجد لبنان	مسجد علیخان زنگنه	۹۰	
مسجد آقانور	مسجد حکیم	مسجد امام	مسجد خیاط‌ها	۱۲۰	

شهری که اولویتهای دیگری در جهت گیری دارند با یکدیگر سازگار نیستند مسئله اصلی بررسی ناسازگاری به وجود آمده میان محور قبله و محورهای شهری دیگر و زاویه انحرافی است. که طبق تحقیق اکبر زاده (۱۳۹۶) چهار رویکرد در مساجد قابل ملاحظه است. زاویه‌های نامتعادل در شبستان، زاویه‌های نامتعادل در صحن، فضاهای مثلثی میانجی و سیاست‌های ترکیبی هستند. طبق جدول ۷ با بررسی نمونه‌های مورد مطالعه دوره صفوی در مساجد مانند آقانور، لبنان، حکیم، ساروقی، شیر

۳-۵- موقعیت مساجد نسبت به بافت شهری

در گذشته جهت قبله در مقیاس وسیع‌تر از یک مسجد مانند شهر و ناحیه مشخص می‌شده است و برای کلیه مساجدی که در یک شهر ساخته می‌شد، از زاویه انحراف قبله یکسانی استفاده می‌کردند؛ اما با توجه به تغییرات مساجد در دوره‌های مختلف، می‌توان انحراف کالبد مسجد را نسبت به جهت واقعی قبله مشاهده کرد. همچنین جهت گیری مساجد به سمت قبله در کنار جهت گیری بافت‌های

پزها صحن و شبستان مساجد، کالبد هندسی خود را حفظ کرده و دارای زاویه‌های متعامد هستند، لذا مثلث حاصل از تعارض زاویه بین جهت گیری مساجد به سمت قبله و جهت گیری بافت شهری در مساجدی مانند، حکیم و شیره پزها، لبنان به صورت یک فضای افزوده به معبر میانجی بافت اضافه شده و یک پلان دوزنقه ای ایجاد می‌کند. گاه این مثلث به عنوان یک حیاط کم استفاده خدماتی و انباری در مساجدی مانند، آقا نور، ساروتقی، خیاط‌ها و ایلچی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همچنین با توجه به اینکه مساجد سنتی اکثراً در بازار ساخته می‌شدند (زیرا پیوند عمیقی بین بازار و مساجد وجود داشت)؛ در مواردی که بازار در خلاف جهت قبله بود، معمار سنتی می‌بایست در طراحی، مساجد را به سمت قبله می‌چرخاند تا در راستای قبله قرار گیرد. این چرخش حساب شده فضای داخلی بنا، نسبت به ورودی است که سبب می‌شد موقعیت محراب دقیقاً در جهت مسجد قرار گیرد (گروبه، ۱۳۷۹: ۲۵۰). در واقع این مساجد تلاشی برای انطباق وضعیت قرارگیری مسجد و راستای ناگزیر قبله و الزام ورود نمازگزاران در راستای منتهی به آن را در خود دارد. کل بنا با بافت مجاور منطبق شده، اما دسترسی به فضاهای اصلی مسجد با چرخش و به ترتیبی صورت می‌گیرد که فضاهای اصلی در راستای قبله جهت می‌یابند. این چرخش در طراحی مسجد به گونه‌ای نامحسوس و با مهارتی خاص صورت می‌گرفت که فرد با ورود به مسجد متوجه این چرخش نشود. محمد حسن معمار می‌گوید: قرار گرفتن گنبدخانه

به سوی قبله، معمار را به ساختن دالانی با پیچش نامحسوس از بیرون بنا وادار کرده است که واردشوندگان پس از گذر از آن، به هنگام ورود، به گنبدخانه در جهت قبله قرار می‌گیرد. در مساجدی مانند مسجد شیخ لطف‌الله و امام، ورودی به عنوان یک مفصل برای حل تعارض چرخش داشته است. بی شک وجود چرخش و انحنا در دالان ورودی تنها به دلیل توجه و اهمیت به سمت قبله نیست، بلکه عامل دیگر مؤثر این است که نمازگزاران مسجد برای رسیدن به محل عبادت، پس از عبور از راهرویی تنگ و نسبتاً تاریک، ناگهان وضوح و درخشندگی فضایی را که محل عبادت را در بر گرفته است احساس نمایند (استرلین، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

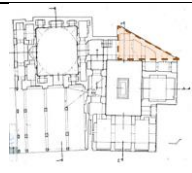




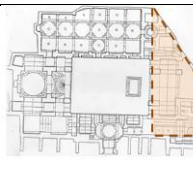

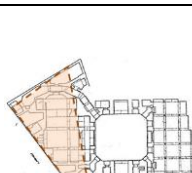
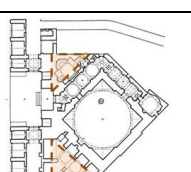
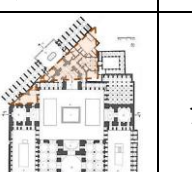
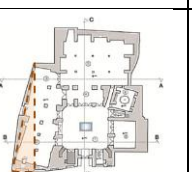
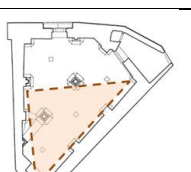

در بررسی زاویه‌های نامتعادل در شبستان مساجدی مانند حاج یونس و قطیبه، برای حفظ محورهای فضایی صحن، مثلث حاصل از زاویه انحرافی جهت‌ها به شبستان انتقال یافته و باعث ایجاد شبستان‌های دوزنقه ای شکل شده است یا در مساجدی مانند مسجدحسین بن علی و سرخی مثلث‌هایی در آن جبهه از شبستان در کنار معبر قرار می‌گیرد. در اکثر مساجد دوره صفوی شکل غالب صحن به صورت مستطیلی شکل حفظ شده است که صحن در مرکز پلان و تا حدی نزدیک به ورودی و هشتی قرار دارد تا طول راهروهای متصل کننده هشتی به صحن کوچکتر و یا از بین برود.


در مساجدی مانند مقصود بیگ زاویه نامتعادل در صحن مساجد به وجود آمده است که فضای مثلثی شکل حاصل از انحراف زاویه جهت‌ها، به فضای

غربی فضاهای خدماتی در نظر گرفته شده است و در جبهه شمال شرقی چرخش ورودی اتفاق افتاده است. که در واقع برای از بین بردن زاویه انحراف به وجود آمده در جبهه‌های مختلف رویکردی متفاوت در نظر گرفته شده است.

صحن اضافه شده است و اصالت فضایی شبستان حفظ گردیده شده است. همچنین در برخی موارد مانند مسجد علی زنگنه که محصور بین معابر و ساختمان‌های دیگر است در جبهه جنوبی مسجد تعارض حاصل، باعث به وجود آمدن شبستان مثلثی شکل شده است در جبهه‌های شمال غربی و جنوب

جدول ۷- موقعیت قرارگیری مساجد دوره صفوی اصفهان نسبت به بافت شهری (مأخذ: نگارندگان)

موقعیت قرارگیری مساجد نسبت به بافت شهری				فضاهای مثلثی میانجی	تعارض جهت قبله و بافت شهری
 <p>مسجد لبنان</p>	 <p>مسجد حکیم</p>	 <p>مسجد آفانور</p>	 <p>مسجد ساروتقی</p>		
 <p>مسجد ایلچی</p>	 <p>مسجد خیاط‌ها</p>	 <p>مسجد شیره پزها</p>	 <p>مسجد قطیبه</p>		
		 <p>مسجد شیخ لطف الله</p>	 <p>مسجد امام</p>	چرخش ورودی	
	 <p>مسجد سرخی</p>	 <p>مسجد حاج یونس</p>	 <p>مسجد حسین بن علی</p>	زاویه‌های نامتعامد در شبستان	

		 مسجد مقصود بیگ	زاویه های نامتعامد در صحن	
	 مسجد علیخان زنگنه		سیستم ترکیبی	تعارض جهت قبله و بافت شهری
	 مسجد جارچی	 مسجد علی	 مسجد مصر	هم راستایی جهت قبله و بافت شهری

۶- نتیجه گیری

مساجد صفوی اصفهان دارای الگوهایی مشخص و قابل شناسایی هستند. شبستان ستون دار و گنبدخانه، الگوی بنیادین این مساجد است که در پیچیده ترین الگوها نیز، هم چنان حضور دارد. حول این دو اندام بنیادین، یعنی شبستان ستون دار و گنبدخانه، اندامهای دیگر گسترده می شوند و الگوهای شبستان منفرد و گنبدخانه منفرد را بسط می دهند؛ مانند ایوان های (شمالی- جنوبی و شرقی- غربی). به عبارت دیگر معماری صفوی اصفهان، ترکیب اندامهایی چون، شبستان ستون دار، گنبدخانه، ایوان است که ساده ترین و اولین الگو را شبستان ستون دار منفرد و گنبدخانه منفرد تعریف می کند. الگوی دیگر گسترش یافته از الگوی اولیه و ایوان های شمالی- جنوبی و در

یافته های پژوهش در جدول ۸ جمع بندی شده است. سطر دوم جدول، معطوف به الگوهاست که کلی ترین لایه های شناختی مساجد دوره صفوی شهر اصفهان را شامل می شود. این الگوها بنیادین ترین تفاوت ها را در خود تعریف می کنند و در مساجد صفوی اصفهان، این تفاوت بنیادین با وجود یا عدم وجود صحن و تعارض جهت قبله مساجد با بافت شهری در سطر بعدی، مشخص گردیده است. سطر چهارم، به ترتیب تفاوت هایی مانند تعداد اندام ها با نوع استقرار آن ها در هر یک از الگوها را معرفی می کند و در ادامه نمونه هایی از مساجد طبق الگوهای تعریف شده بررسی گردیده است. در این پژوهش، نشان داده شده که

					*			*								مسجد قطیفه
*																مسجد ذوالفقار
					*			*								مسجد خیاط ها
*																مسجد جارجی
			*					*								مسجد مقصود
				*	*				*							مسجد شیخ
		*											*			مسجد سرخی
				*	*	*										مسجد امام
					*		*									مسجد آقائور
					*		*									مسجد
*												*				مسجد مصری

		*														مسجد حاج
						*	*									مسجد حکیم
		*						*								مسجد علیخان
						*		*								مسجد لبنان
						*						*				مسجد ایلچی
						*						*				مسجد شیره
		*								*						مسجد حاج
												*				مسجد حسین

منابع

- احمدی شلمانی، م. (۱۳۹۰). معماری معاصر مساجد. انتشارات فرهیختگان دانشگاه، چاپ اول، تهران.
- اکبر زاده، محسن. (۱۳۹۶). مقوله بندی مؤلفه های سازمان دهنده به ته رنگ مساجد سنتی مراکش. فصلنامه هنر و تمدن شرق. شماره ۱۵، ۳۷-۴۴.
- استرلین، ه. (۱۳۷۷). اصفهان به تصویر بهشت به قلم هانری کرین، ترجمه جمشید ارجمند. تهران: انتشارات فرزانه.
- بمانیان، محمدرضا، جلوانی، متین، ارجمندی، سمیرا. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان نمونه های موردی: مسجد آقانور، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف الله، فصلنامه مطالعات ملی ایران. ۹، ۱۰۱-۱۷۵.

- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۹). سبک شناسی معماری ایران. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: انتشارات سروش دانش.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۹۲). «تداوم در معماری ایرانی». از مجموعه مقالات معماری ایرانی. به اهتمام محمد عبدلی و راضیه گرکنی. تهران: انتشارات جمال هنر.
- ترکمان، اسکندریگ. (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- حبیبی، م، اهری، ز. (۱۳۷۷). «معماری شهری مسجد در مکتب اصفهان - دستور زبان و واژگان» مجله صفا. ۲۶، ۲۲-۳۷.
- حجت، عیسی، ملکی، مهدی. (۱۳۹۱). هم گرایی سه گونه بنیادین هندسی و پیدایش هندسه مسجد ایرانی. نشریه هنر های زیبا- معماری و شهرسازی. ۴، ۵-۱۶.
- حداد، پیمان، فروتن، منوچهر. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه های معماری در مساجد معاصر ایران: رویکرد ها و روش ها، مطالعات محیطی هفت حصار. ۲۵، ۵-۱۸.
- خادم زاده، محمدحسن، معماریان، غلامحسین، افلاکیان، احمد. (۱۳۹۳). «گونه شناسی تطبیقی مساجد منطقه اصفهان»، فصلنامه مطالعات معماری ایران. ۲-۲۲.
- خادم زاده، محمدحسن، معماریان، غلامحسین، صلواتی، کامیار. (۱۳۹۶). «گونه شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران». مطالعات معماری ایران. ۱۱، ۱۰۳-۱۲۴.
- پاسیان خمیری، رضا، رجبعلی، حسن، رونده، محمد رضا. (۱۳۹۶). گونه شناسی مساجد بلوچستان ایران، از قاجاریه تا معاصر. مطالعات معماری ایران. ۱۱، ۱۸۹-۲۰۵.
- دباغ، امیر معسود، رهبر، شادی. (۱۳۹۳). تبلور مفاهیم شیعی در شکل گیری مساجد دوران صفویه و قاجاریه بررسی تطبیقی: مسجد شهید مطهری تهران و مسجد امام خمینی اصفهان، فصلنامه شیعه شناسی. شماره ۵۲، ۱۶۷-۱۹۰.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۵). لغت نامه (شماره حرف «گ»: ۱۲). زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زارعی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۴). «گونه شناسی معماری مساجد محله ای شهر سنندج در دوره قاجار». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۹، ۱۵-۲۸.
- سلطانی، مهرداد، سید امیر منصوری، احمدعلی فرزین. (۱۳۹۱). تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. نظر باغ. ۹. ۳-۱۲: ۲۱.
- سیوری، راجر. (۱۳۸۵). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- صارمی، حمید رضا، خدابخشی، سحر، خلاق دوست، متین. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی جهت گیری شبستان در مساجد سنتی و معاصر، نشریه شهر های ایرانی اسلامی، ۲۴، ۶۵-۸۴.
- طاهری، محمد مهدی، مظاهریان، حامد، خاقانی، سعید. (۱۳۹۷). گونه شناسی ایوان محور مسجد های تاریخی ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی معماری و شهرسازی. ۸۲، ۱۱۳-۱۲۵.
- طیبی، محسن. (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل مؤثر بر تغییرات کالبدی و عملکردی معماری گرمابه های ایران دوره صفوی. پایان نامه دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- عطاریان، کورش، مؤمنی، کورش، مسعودی، زهره. (۱۳۹۳). «بررسی تناسب حیاط مساجد دوره صفویه اصفهان». مطالعات تطبیقی هنر. ۱۰، ۶۷-۸۱.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۹۰). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- گروبه، ا. (۱۳۷۹). معماری جهان اسلام. ویراستار جرج میشل. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر مولی.
- معماریان، غلامحسین، غفاری، عباس، قلیزاده، فرزانه. (۱۳۹۶). «تحلیلی بر پارامترهای گونه بندی مساجد تاریخی شهر تبریز». فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی. ۴، ۴۳-۶۴.

— مهدوی نژاد، محمد جواد، مشایخی، محمد، بهرامی، منیره. (۱۳۹۳). الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. ۵، ۳-۱۹.

Original Research Article

Composition Patterns of Fundamental Elements in the Architecture of Isfahan Mosques of the Savafid Era

Azita Belali e Oskui¹, Sahar Zarei², Mina Heydariturkmani³

1- Associate Professor of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

2- MSC Student, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

3- PhD Student, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Abstract

Investigating and recognizing the composition of fundamental elements in Safavid era's mosques in Isfahan city with emphasis of their classifications enables us to continue using these patterns in the framework and semantical layers of the mosques new architecture.

In this regard, the present study is designed to understand these patterns. Research method in this paper is descriptive –analytical The finding of study indicates that Safavid's era mosques in Isfahan can be classified into three categories: Shabestan, Dome House and shabestan, Dome House mosque and Each of the above categories can be categorized into separate categories based on the main organs and spatial axes and the position of the urban texture. In the abovementioned categories, each pattern is an extension of the previous pattern, and finally the most evolved pattern is introduced, which is the the pattern that preserves the main geometrical elements, Imam and Hakim mosques are such examples.

Keywords: fundamental elements, mosque architectural pattern, safavid era's architecture, Isfahan mosques